



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قزوین

دانشکده بهداشت

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته آموزش بهداشت و ارتقای سلامت

عنوان:

**بررسی تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه ریزی شده
بسط یافته بر مصرف محصولات غذایی تراریخته و ارگانیک در زنان
خانه دار شهر قزوین**

استاد راهنما:

دکتر عیسی محمدی زیدی

استاد مشاور:

دکتر امیر پاکپور حاجی آقا

نگارش:

بهاره خاکی

تابستان ۱۴۰۰

مقدمه و هدف: با توجه به گسترش جهانی کشت محصولات تراریخته و شیوع نگران کننده پیامدهای منفی آن بر سلامت و به علت پایین بودن سطح آگاهی عمومی درباره پیامدهای بهداشتی مصرف این محصولات، با بهره‌گیری از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، مطالعه حاضر با هدف تعیین تاثیر مداخله آموزشی مبتنی بر تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده توسعه یافته بر قصد خرید و مصرف محصولات غذایی تراریخته و ارگانیک در زنان خانه‌دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر قزوین صورت گرفته است.

مواد و روش کار: مطالعه حاضر یک کارآزمایی تصادفی شاهددار می‌باشد که بر روی زنان خانه‌دار تحت پوشش مراکز بهداشتی درمانی قزوین صورت پذیرفت. تعداد ۱۲۰ نفر از زنان خانه‌دار با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه کنترل و تجربی قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات شامل پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک و متغیرهای جمعیت شناختی، پرسشنامه محقق ساخته برای اندازه‌گیری سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بود. گروه هدف (تجربی)، مداخله آموزشی شامل یک برنامه آموزشی تئوری محور و گروهی مشتمل بر چهار جلسه به مدت ۶۰-۹۰ دقیقه را دریافت کرد. داده‌ها در دو مقطع زمانی (قبل از مداخله و یک ماه پس از مداخله) گردآوری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و آزمون‌های تی مستقل و زوجی، آزمون کای اسکور، آنالیز واریانس یک طرفه و آنالیز کوواریانس آنالیز شدند. سطح معنی‌داری در مطالعه حاضر کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: میانگین سنی زنان شرکت کننده در مطالعه $37/79 \pm 7/42$ سال بود و ۹۸/۳ درصد متاهل بودند. بین سازه‌های اعتماد، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، منافع و تعهد اخلاقی بر قصد برای خرید و مصرف محصولات غذایی غیرتراریخته همبستگی معنادار وجود دارد ($P < 0/05$) و مجموعاً سازه‌ها قادر بودند ۵۸/۳ درصد تغییرات مرتبط با سازه قصد را پیش‌بینی کنند. از نتایج دیگر مطالعه کنونی وجود همبستگی معنادار بین سازه‌های آگاهی، نگرش، هنجارهای انتزاعی، کنترل رفتاری درک شده و قصد بر رفتار خرید و مصرف محصولات غذایی غیرتراریخته بود ($P < 0/05$). به طوریکه سازه‌های آگاهی، نگرش، هنجارهای انتزاعی و کنترل رفتاری قادرند ۳۶/۹ درصد تغییرات متغیر رفتار را پیش‌بینی کردند ($P < 0/05$). از یافته‌های مهم مطالعه حاضر تغییر معنی داری میانگین نمره آگاهی، نگرش، هنجارانتزاعی، کنترل رفتاری درک شده، سودمندی درک شده، خطر درک شده، اعتماد، برجسب زنی، نوهراسی از تکنولوژی مواد غذایی، هویت فردی، نگرانی زیست محیطی، قصد رفتاری زنان خانه دار شرکت کننده در گروه تجربی بعد از مداخله آموزشی تئوری محور نسبت به خصوصیات و خرید و مصرف محصولات غذایی تراریخته و ارگانیک بود. بین گروه‌ها از حیث متغیر تعهد اخلاقی در پس آزمون ($F=1/886$) تفاوت معنی داری وجود نداشت ($P=0/173$).

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر نشان داد که یک مداخله آموزشی بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند در بهبود رفتار تغذیه سالم و عدم مصرف محصولات غیرتراریخته موثر باشد. از آنجایی که تغذیه سالم و مصرف محصولات غیر تراریخته باعث بهبود سلامت و کیفیت زندگی زنان خانه دار و ارتقا سلامت جامعه و کاهش بار اقتصادی بر سیستم بهداشتی و درمانی می‌شود بنابراین بهتر است که مداخلات آموزشی تئوری محور به منظور افزایش آگاهی نسبت به محصولات تراریخته و بهبود وضعیت تغذیه بصورت بسته آموزشی در مراکز بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تئوری رفتار برنامه ریزی شده، محصولات غذایی تراریخته، مداخله آموزشی، تعهد اخلاقی، اعتماد.

Abstract

Background and Aim: Considering the global spread of the cultivation of transgenic crops and the worrying prevalence of its negative consequences on health and due to the low level of public awareness about the health consequences of consuming these crops, using the theory of planned behavior, this study aims to determine the impact of educational intervention based The theory of planned behavior has been developed on the intention to purchase and consume transgenic and organic food products in housewives referring to health centers in Qazvin.

Materials and Methodology: The present study is a randomized controlled trial that was performed on housewives covered by Qazvin health centers. A total of 120 housewives were selected using multi-stage sampling method and randomly divided into two groups of control and experimental. Data collection tools included demographic information questionnaire and demographic variables, researcher-made questionnaire to measure the structures of the theory of planned behavior .The target group (experimental) received an educational intervention including a theory-based and group training program, consisting of four sessions lasting 90-60 minutes. Data were collected in two time periods (before intervention and one month after intervention) and analyzed using SPSS software version 23 and independent and paired t-tests, Chi-square test, one-way analysis of variance and analysis of covariance. The level of significance in the present study was considered less than 0.05.

Findings: The mean age of women participating in the study was 37.79 ± 7.42 years and 98.3% were married. There is a significant correlation between trust structures, subjective norms, perceived behavioral control, benefits and Moral obligation to the intention to buy and consume non-transgenic food products ($P < 0.05$) and in total, the structures were able to predict 58.3% of the changes related to the intent structure. Another result of the current study was the existence of a significant correlation between the constructs of knowledge, attitude, subjective norms, perceived behavioral control and intention on the behavior of buying and consuming non-transgenic food products ($P < 0.05$). So that the constructs of knowledge, attitude, abstract norms and behavioral control are able to predict 36.9% of variable changes in behavior ($P < 0.05$). Significant findings of the present study include a significant change in the mean score of knowledge, attitude, subjective norms, perceived behavioral control, perceived Benefits, perceived risk, trust, labeling, food technology neophobia, Self-identity, Ecological Concerns , behavioral intention Housewives participated in the experimental group after the theory-based educational intervention on the characteristics, purchase and consumption of transgenic and organic food products .There was no significant difference between the groups in terms of Moral obligation in the post-test ($F = 1.886$) ($P = 0.173$).

Discussion and Conclusion: The results of the present study showed that an educational intervention based on the theory of planned behavior can be effective in improving healthy eating behavior and not consuming non-transgenic products. Since healthy eating and consumption of non-transgenic products improve the health and quality of life of housewives and promote community health and reduced the economic burden on the health care system, so it is better to use theory-based educational interventions in order to increase awareness of transgenic products and improve nutritional status as an educational package in health centers.

Keywords: Planned Behavior Theory, Genetically modified food, Educational Intervention, Moral obligation, Trust.



Qazvin University of Medical Sciences
Faculty of Health

A Thesis

**Presented for the degree Of Master of Sciences (M.Sc) in Health
Education & Promotion**

Title

**The Effect of Educational Intervention Based on Extended
Planned Behavioral Theory on the Consumption of
organic and GM Foods in housewife who refers to
Qazvin health care centers**

Supervisor

Isa Mohammadi Zeidi (Ph.D)

Advisor

Amir pakpour (Ph.D)

By

**Bahareh khaki
Summer, 2021**